

توانمندسازی زنان: راهبردها، چالش‌ها و چشم‌اندازها

فاطمه پناهی - دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس

محمد چیذری - هیأت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس *

چکیده

توانمندسازی عاملی برای بهبود موقعیت افراد و از جنبه‌های خوداعتمادی است که بر جنبه‌های متنوع زندگی اثرگذار است. در کل توانمندسازی، تقویت عقاید افراد جهت ایجاد اعتماد به نفس در آنها است. این فرایند از موضوعات اساسی است و علی‌رغم گام‌هایی که برای رسیدن و پیمودن این مسیر برداشته شده است، تفاوت چشمگیری دیده می‌شود. شاید بتوان آموزش و جنسیت را از محوری‌ترین و اساسی‌ترین راهکارهای توانمندسازی زنان دانست؛ زیرا بی‌سواد و تحصیلات کم لطمات زیان‌آوری را به دنبال خواهد داشت و باعث آسیب‌پذیری بیشتری در مقابل شرایط اجتماعی، اقتصادی و بدبختی زنان می‌گردد که خود عامل وابستگی بیشتر زنان است. در حال حاضر توسعه‌ای پایدار است که برابری جنسیت را مدنظر قرار دهد. سازمان‌های دولتی و غیردولتی با ارائه خدمات مناسب ترویجی و به‌کارگیری فن‌آوری‌ها، نوآوری‌ها و اصلاح نگرش‌ها و برداشت‌های غلط اجتماعی، عاملی در از بین بردن این نابرابری می‌باشند. در حال حاضر فقر، عدم برابری جنسیتی، توسعه انسانی از جمله چالش‌های بزرگ و پیش روی توانمندسازی است. حذف فقر و توانمندسازی به موازات یکدیگر قرار دارند و از طریق توانمندسازی قدرت استفاده از دارایی‌ها، موجودی‌ها و ایجاد فرصت‌های اشتغال افزایش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: توانمندسازی، زنان، راهبردها، چالش‌ها و چشم‌اندازها

* E.mail: mchizari @ modares . ac.ir

مقدمه

قدرت در کشورهای اسلامی مدیون راه و روش قرآن است. فهم درست معنی قرآن، قدرتی برای اشخاص، جوامع، ملت‌ها و جمعیت بشری است. اگر دوست دارید جوامع و ملت‌های قدرتمند و کامیابی در دنیا باشید باید عناصر قرآنی را که به این منظور وجود دارد ببینید (Lee, 2000). زنان روستایی هنوز به عنوان یکی از حلقه‌هایی که وضع نامساعدی دارند باقی مانده‌اند. به طور مثال در هند ۸۶/۱٪ از زنان در بخش کشاورزی شاغلند و این رقم برای مردان ۷۴٪ است؛ در صورتی که به سختی برنامه‌ای خاص برای افزایش مهارت‌های کشاورزی زنان وجود دارد و این در حالی است که ۷/۱٪ از زنان روستایی در هزینه تولید مشارکت دارند و این درصد برای مردان کمتر از ۷٪ می‌باشد و بیشتر برنامه‌های آموزشی بندرت زنان را دربرگرفته است (Anonymous, 2000).

• آموزش

زمینه آموزش در حال حاضر راه‌حل‌های جدیدی به وسیله متفکران و برنامه‌ریزان تحت عنوان سیستم‌های آموزشی آزاد برای سوادآموزی بزرگسالان و فعالیت‌های غیررسمی با ملاحظه نیازهای آموزشی طولانی مدت روستاییان به خصوص زنان در نظر گرفته شده است. صلاحیت‌های فنی و علمی به عنوان عناصر اساسی آموزش، برای جهت‌دهی آینده آن در نظر گرفته شده‌اند. در حال حاضر یادگیری به واسطه بدل‌هایی (جایگزین) در آموزش، خصوصاً آموزش ادامه‌دار متنوع برای نیازهای گروهی جزء برنامه‌های اصلی است. در توانمندسازی زنان یکی از راهکارهای (استراتژی) جدید، آموزش و یادگیری در طول عمر است که بسیار مؤثر می‌باشد؛ بنابراین بیشتر مؤسسات بر این موضوع تأکید دارند که زنان روستایی باید متفکر باشند تا قادر به تغییر توانایی خود، خانواده و جوامعشان به واسطه هوشیاریشان باشند. CEDRW برای نائل شدن به این امر نوآوری را در آموزش لازم دانسته است. نواحی آزمایشی این مراکز روستایی است که نزدیک به ۱۳۰ روستا را به هم مرتبط می‌سازد. به واسطه جوامع غیررسمی و از طریق معلمان ابتدایی به سمت توسعه روستایی حرکت کرده که گامی در جهت توانمندسازی و فرصت‌های یادگیری در طول عمر برای افراد است. آموزش‌ها در زمینه تغذیه و تقویت کودکان، سرمایه‌گذاری در رابطه با نیازها در سایر فعالیت‌های کشاورزی، سرمایه‌گذاری در رابطه با سیستم‌های دانش بومی، کارکردهای هنری و فرهنگی است که گامی در جهت توانمندسازی پایه‌ای و ارائه فن‌آوری (تکنولوژی) و دانش مفید است (FAO, 2000).

• جنسیت

اکثر اوقات هنگامی که در مورد مفهوم جنسیت بحث می‌شود با چشم‌اندازی که با دیدگاه دوگانه زنان و مردان که کارهای مربوط به آنها را مدنظر قرار می‌دهد کار آغاز می‌گردد. در پایان نیز این دیدگاه به ندرت فراهم‌کننده و اثبات‌کننده نتیجه‌ای برای افراد است. از نقطه نظر و

دیدگاه فلسفی و علمی باید نسبت به خود و ارزیابی از خودمان صادق باشیم و ابتدا این سؤال را از خود داشته باشیم که آیا داشتن این دیدگاه و دنبال کردن این رهیافت مناسب است؟ اکثر ما با بحث‌هایی که بر روی تعریف مفهوم جنسیت می‌گردد آشنا هستیم که جایگزین متضادی با آناتومی جنسی می‌باشد. در شروع کار، با یک دیدگاه دوگانه جنسیتی به موضوع نگاه کرده و به طور کلی تفاوت‌های فیزیکی، نظیر کروموزوم جنسی و آناتومی را مد نظر قرار داده‌ایم. با این دید افراد را به دو طبقه زن و مرد تقسیم نموده‌ایم در حالی که باید بین آناتومی و فیزیک جنسی نیز تفاوت قائل شویم. باید رهیافت تفهیم جنسی و جنسیت را به جای رهیافت سنتی بالا به پایین که به طور رایج شایع گردیده مد نظر قرار داد. با دیدگاه متعصبانه و خشک، طبیعت به زن و مرد محدود گردیده که پاسخ بدین سؤال و نظر منفی است. طبیعت فراهم‌کننده تمایزات و تنوعات در هر گونه‌ای می‌باشد و از طریق علم نیز تعدادی تمایزات و استثنائات بین زن و مرد مشخص گردیده است؛ ولی بهتر است با دیدگاه منطقی به مسأله جنسیت و برابری جنسیتی نگاه کنیم (Kastel, 2002). جنسیت بخشی از خصوصیات خاص فرهنگی است که تعیین‌کننده رفتارهای اجتماعی زنان و مردان و ارتباط بین آنها است. بنابراین به طور ساده جنسیت به زنان و مردان اشاره نمی‌کند؛ بلکه بیان‌کننده ارتباطات بین آنها است و مسیری برای بیان ساختارهای اجتماعی است. زنان و مردان در مفاهیم جنسیتی درگیر می‌باشند، شبیه مفاهیم کلاسی، قیمتی و اخلاقی، جنسیت نیز یک ابزار برای تجزیه و تحلیل و فهم بهتر فرایندهای اجتماعی است (Synder, 1996).

تحلیل جنسیتی به عنوان ابزاری برای تحلیل، تفهیم و مشخص ساختن نقش‌های جنسیتی و تقسیم کار بین مردان و زنان و عدم دسترسی یکسان به منابع اطلاعاتی و مشارکت در تصمیم‌گیری است. این برنامه همچنین مشخص می‌سازد که زنان و مردان، چگونه به یک محتوای خاص نیازمندند و محدودیت‌ها و تنگناها را آشکار می‌سازند و چگونگی تأثیر برنامه‌ها و خط‌مشی‌ها را بر ارتباطات جنسیتی مشخص می‌سازد و اصطلاحات و مشخصه‌های متنوعی برای تشریح و مشخص ساختن تفاوت بین زنان و مردان به واسطه کلاس، گروه‌های اخلاقی، وضعیت خانوار و همچنین تأثیر برنامه‌ها و سیاست‌ها در ارتباطات جنسیتی وابسته به گروه، نوع خانوار و مواردی که زنان و مردان به آن تعلق دارند را مورد بررسی قرار می‌دهد (EUROPA, 2002). جنسیت باید قابل تجزیه و تحلیل و فهم در زمینه‌های اجتماعی باشد. بنابراین تجزیه و تحلیل جنسیتی نباید فقط بر تقسیم کار و منابع و منفعت‌ها و تصمیم‌گیری بین زنان و مردان متمرکز باشد؛ بلکه باید محتوای را نیز در نظر گیرد. که خود شامل متغیرهای متنوعی از جمله جنبه‌های فرهنگی، مشخصه‌های اقتصادی، طرح‌های دموگرافی و جنبه‌های آموزشی و غیره است و تنگناها و فرصت‌ها نیز در این زمینه می‌باید مشخص گردند (World bank, 1992).

● برابری جنسیتی

به معنای بهره‌مند شدن زنان و مردان از فرصت‌های مساوی است؛ به بیان دیگر این موضوع

بدین معنی است که زنان و مردان شرایط یکسانی برای شناخت حقوق واقعی و پتانسیل خود برای مشارکت در توسعه ملی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارند و هر دو از نتایج سود می‌برند. امروزه مفهوم برابری جنسیتی مشخص‌کننده رفتارها و گرایش‌ها متفاوت در زنان و مردان است و در مواقعی نیازمند کسب نتایج مشابه به خاطر شرایط متفاوت زندگی و جبران تبعیضات گذشته می‌باشیم (Anonymous, 2003).

برابری جنسیتی به معنای ساختن فرصت‌ها، موقعیت‌ها و شرایط عادلانه و مساوی برای هر دو جنس، بدون توجه به قدرت فیزیکی و ذهنی و معنوی و یا جایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان می‌باشد. براساس تجربه بانک جهانی در سال ۱۹۹۲، در تجزیه و تحلیل جنسیتی یک نظام ترویجی می‌بایست به بعضی از شاخص‌ها پرداخت از جمله این که مسأله جنسیتی چقدر با نقش‌ها، نیازها و مشکلات زنان مرتبط است، تعداد مروجان زن و مرد و میزان تحرک آنان در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی به چه میزان است، تعیین و تعداد سازمان‌های زنان و مردان روستایی، میزان فعالیت‌ها و منابع آنها و تعیین و تفکیک میزان خدمات ترویجی چگونه است (غفاری، ۱۳۸۱).

• هدف از برابری جنسیتی

در واقع بازگشت به طبیعت اولیه انسان، رشد و تعالی انسان و رهایی از کلید قید و بندهای بازدارنده تکامل انسانی است که جدایی و تسلط جنسیتی را دربردارد (Otake, 1999).

• زمینه‌های برابری جنسی

الف - آموزش؛ بی‌سوادی، عدم آگاهی و زندگی در شرایط جهل و ارتباط نهادی (ارگانیک) این شرایط با فقر و فرودستی زنان با توجه به سایر جنبه‌های تسلط‌گرایی جنسی، به صورت یک پدیده جاودان جلوه می‌کند. عدم برخورداری از تحصیل و تحصیلات کم و منقطع، لطامت زیان‌آوری برای دختران و زنان و خانواده‌های آنان به وجود می‌آورد و آسیب‌پذیری آنها در مقابل شرایط اقتصادی، اجتماعی و حتی خانگی با توجه به قوانین، برنامه‌ها و خط‌مشی‌هایی که هر دو جنس را با تناسب خانواده و مسئولیت‌های کاری آنها قادر خواهد ساخت، ارائه می‌شوند (IPPF, 1999).

ب - اهدافی به منظور حذف شکاف‌ها در رابطه با تبعیض علیه دختر بچه‌ها وجود دارد؛ با حذف علل ریشه‌ای ترجیح پسران، با افزایش آگاهی‌های عمومی از ارزش دختر بچه‌ها و تقویت خود اعتمادی آنها، اطلاعاتی عمومی و تلاش‌های آموزشی خاص برای تبلیغ رفتار تلقی برابری دختران و پسران با ملاحظه امور تغذیه، مراقبت بهداشتی، آموزش، فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی وجود دارد. دولت‌ها باید یک رهیافت یکپارچه را به منظور رفع نیازهای آموزشی و اجتماعی، سلامت بهداشتی خاص دختران و زنان جوان توسعه دهند و مطرح سازند.

ج - مسؤولیت‌های زنان و مشارکت آنها؛ زنان نقش اساسی در ایجاد تساوی جنسیتی ایفا می‌کنند. در بیشتر جوامع آنها عهده‌دار قدرت برتر در حوزه و قلمرو زندگی می‌باشند. هدف از

ترویج برابری جنسیتی، تشویق و توانا ساختن مردان به گرفتن مسؤولیت تولید و برعهده گرفتن نقش‌های خانوادگی و اجتماعی است. مشارکت زنان و مردان در تمام حوزه‌های خانوادگی و مسؤولیت‌های خانوار از جمله مسؤولیت والدینی، گرایش جنسی و تولیدمثلی مساوی است. پیشگیری از بیماری‌های جنسی قابل انتقال و تسهیم کنترل و مشارکت در خوشبختی بچه‌ها و درآمد خانوار از دیگر وظایف است (Corazonm, 1999).

برابری جنسیتی و توانمندسازی، کلید پایداری

تلاش‌های خاصی به منظور تصحیح عدم تعادل تاریخی در قدرت تصمیم‌گیری، دسترسی به منابع و حقوق برای زنان صورت گرفته و مورد نیاز می‌باشد. بر این اساس تجربه چند کشور در این مورد مرور می‌گردد:

آذربایجان: تلاش‌های ملی به منظور همکاری جمعی در توسعه پایدار و برنامه‌ریزی محیطی صورت گرفته است. صلاحیت‌های کلیدی این سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۰۰ با تمرکز بر تقویت جنسیت، تحقیق بنیادی و ظرفیت‌های برنامه‌ریزی، بهبود تسهیلات آموزشی و حمایت از رهبران ملی و محلی صورت گرفت. برنامه‌های دولتی سیاست ملی جامعی را با منابع صریح جمعی، جنسیت، پایداری محیط و توسعه فراهم ساخته است به طوری که UNFPA از این سرمایه‌گذاری‌ها حمایت نموده است.

بوتان: تمرکز ملی بر آموزش کارکنان در موضوعات جمعیت، محیط و توسعه می‌باشد. یک رهیافت یکپارچه و جامع در برنامه‌های توسعه به کار گرفته شده است. آموزش جنسیتی از جمله برای کارکنان برنامه‌ای، با حمایت UNFPA در رابطه با ارتباطات جنسیتی مشخص گردیده است.

اکوادور: این کشور برای افزایش پروسه تمرکززدایی فعالیت‌های دولتی و آموزش کارکنان محلی و کاربرد سیستم‌های اطلاعاتی مورد نیاز برای برنامه‌ریزی، فعالیت‌های پایداری را داشته است. همکاری‌ها به واسطه دولت محلی و NGO (سازمان‌های غیردولتی) که مشخص‌کننده موضوعات زنان، توجه به همکاری‌های جنسیتی به عنوان یک میان‌بر و ارتباط پایدار در کاربرد خدمات اجتماعی پایه است، مورد حمایت واقع شده است.

هند: تلاش‌های این کشور در زمینه توانمندسازی زنان در رابطه با بهبود جایگاه اقتصادی جامعه، افزایش سطوح آگاهی در رابطه با بهداشت و بالا بردن نرخ ثبت‌نام دختران در مدارس است. آنها مشارکت جوامع را مورد تشویق و آگاهی زنان را در زمینه فرصت‌های آموزشی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی افزایش داده‌اند. دولت ایالتی با همکاری صندوق جمعیتی سازمان ملل فراهم‌کننده این همکاری است.

اردن: هدف برنامه‌های ملی؛ تقویت آموزش به منظور توانمندسازی زنان، هدف دیگر بهبود

سیستم اطلاعاتی مشارکت‌دهنده‌ی شاخص‌های دموگرافی به دست آمده از منابع متنوع، برای افزایش موقعیت زنان در توسعه است. وزارت بهداشت و سرویس‌های اجتماعی به منظور تقویت مشارکت مردان در برنامه سلامتی در جهت شناخت موضوع تساوی جنسیتی که مربوط به مردان است به خدمت گرفته شده‌اند. صندوق جمعیتی سازمان ملل و گروه‌های مشورتی نیز از این برنامه‌ها حمایت کرده‌اند.

نپال: حمایت ملی به منظور تقویت گروه‌های مادران در توسعه جوامع و تساوی رهبری زنان و افزایش اعتماد به نفس در بهبود مدیریت اقتصاد خانوار، برنامه تنظیم خانواده، بهداشت و سلامت خانواده و رعایت اصول بهداشتی و بهسازی، تغذیه و مبارزه با ایدز (HIV/AIDS)، دادن اعتبار به زنان روستایی و کلوبهای مادران با حمایت کمیته‌های مرکزی و صندوق جمعیتی سازمان ملل صورت گرفته است.

سری لانکا: مساعدت ملی به منظور حذف بدرفتاری جنسی و بهره‌برداری از کودکان خصوصاً دختران فراهم گردیده و سرویس‌های مشورتی برای اثرپذیری بیشتر بچه‌ها و خانواده‌هایشان ارائه شده‌اند. این تلاش‌ها بهبود فهم برابری جنسیتی را در زمینه خانواده، ترویج داده و آگاهی از حقوق کودکان را افزایش داده است.

اوگاندا: صندوق جمعیتی سازمان ملل از برنامه سلامت و بهداشت زنان به واسطه آموزش حمایت نموده است. از جمله تأثیرات مثبت این برنامه‌ها استفاده از وسایل ضدبارداری و ترویج و تبلیغ مراسم عبور، سازگار با ارزش‌های فرهنگی و محلی بوده است.

ویتنام: تلاش‌های ملی، توانمندسازی اقتصادی، مدیریت محیطی و سرویس‌های بهداشتی را به هم مرتبط ساخته است.

یمن: رهیافت ملی برای یکپارچه‌سازی زنان در فرایند اقتصادی و اجتماعی با همکاری خانواده‌ها و صندوق جمعیتی سازمان ملل صورت گرفته است. همکاری عملی برای توسعه مهارت‌های بازاریابی زنان برای ترویج توانمندسازی اقتصادی به واسطه کوشش‌های خوداشتغالی ترکیب شده با سوادآموزی پایه برای زنان شهری و روستایی است. علاوه بر این مردان بزرگسال روستایی و شهری آموزش‌های مسئولیت‌پذیری، بهداشت فردی و جمعی را دریافت کرده‌اند (UNFPA, 1997).

توانمندسازی توسط خود مردم (PEP)^۱

برنامه توانمندسازی مردم به واسطه خود مردم، از تعریف توانمندسازی برای ارتباط تحقیق، نظریه و تمرین استفاده کرده است. برنامه خبیره PEP نظریه حساسی را در توسعه آموزش بزرگسالان بنا کرد. برنامه توانمندسازی مردمی، بر تقویت، فراهم ساختن فرصت‌ها و منابع برای مردم با مهارت‌ها و تجارب دوباره تمرکز یافته است. تحت این فرایند مشترک و توافقی بین

مشارکت‌کنندگان، تسهیل‌گران، اعضای کمیته‌های مشاوره‌ای و دیگران که در برنامه درگیر می‌باشند، باورها و ارزش‌های اعضا به‌طور آزادانه و باز بحث می‌گردد (Rivera, 1990). توانمندسازی زنان محوری‌ترین راهکار یا راهبرد (استراتژی) برای به وجود آوردن حداقل شرایط ممکن برای برابری جنسیتی است. توانمندسازی زنان فرایندی است که از درون شکل می‌گیرد و به صورت کلیشه‌ای از بالا به زنان تحمیل نمی‌شود. توانمندسازی زنان در عرصه‌های مختلف تجلی پیدا می‌کند و هدف نهایی آن بازیابی موقعیت طبیعی و حقیقی زنان از طریق زدودن زنجیره‌های اسارت و تبعیض است. حرکت سازمان یافته زنان در عرصه‌های مختلف به ویژه تلاش برای به رسمیت شناختن حقوق انسانی زنان از گام‌های اساسی توانمندسازی است که با به رسمیت شناختن نیاز زنان با عنوان کردن منظم مسأله‌جویی و در حاشیه قرار گرفتن زنان در امور مختلف زندگی اجتماعی آغاز می‌شود و با پایان دادن به تبعیض و بی‌عدالتی در توزیع منابع و امکانات منتهی می‌شود (Otake, 1999).

پیگیری اهداف توانمندسازی

- ۱- سازمان دهی آموزش و برنامه‌های توانمندسازی برای دختران و زنان؛
- ۲- هدایت و ترویج فعالیتهای عملی و نوآوری‌ها؛ نوآوری و تحقیق در رابطه با مسائل و برنامه‌های توانمندسازی زنان روستایی که با یکپارچه‌سازی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی مرتبط است و با حفاظت محیطی و بهداشتی در زمینه‌های فرهنگی روشن برای زنان روستایی توأم است؛
- ۳- سرمایه‌گذاری در آموزش علم و فن‌آوری به زنان و برنامه‌های توانمندسازی به منظور توانمند کردن آنها، برای به دست آوردن صلاحیت (Temper) علمی و قادرسازی خانوارها و جوامع‌شان برای تشویق آنها در فرایند توسعه پایدار به واسطه فرایند خودفعالی؛
- ۴- بهبود موقعیت زنان و جوامع فعال برای توسعه، با ایجاد گروه‌های خودیار زنان روستایی و گروه‌های پس‌انداز؛
- ۵- آموزش بدون تبعیض جنسیتی به منظور به دست آوردن فنون جدید برای بهبود تولیدات کشاورزی و بالا بردن صلاحیت افراد برای آموزش زنان و مردان؛
- ۶- هدایت فعالیت‌ها به منظور امنیت غذایی؛ هدایت برنامه‌های آموزش حرفه‌ای نو برای دختران بالغ و زنان بزرگسال با همکاری گروه‌های (دپارتمان‌های) آموزشی برای توسعه منابع انسانی؛
- ۷- هدایت برنامه‌های توسعه شخصی و بهداشتی برای زنان و دختران؛ (جهت توانمندسازی زنان؛

تکنیک‌ها و راهکارهای توانمندسازی

● سوادآموزی پایه و توسعه سیستم‌های کشاورزی یکپارچه (IFS) برای توانمندسازی زنان

- فراهم ساختن آموزش پایه؛
- بالا بردن ظرفیت (گنجایش) در آمدزایی از راه خوداشتغالی و مهارت‌های رهبری؛
- مطرح ساختن آموزش در سیستم یکپارچه کشاورزی؛
- ارائه و ایجاد برنامه اعتباری پایدار برای زنان؛
- آغاز فرایند رهبری با آگاهی بالا، با توجه به موضوعات جنسیتی، برابری و عدالت زنان؛
- ایجاد قدرت رهبری میان زنان به وسیله شبکه آموزش و اطلاعات با آموزش و برنامه‌های در آمدزا؛
- فراهم کردن حمایت قانونی، برابری حقوق، دموکراسی، آگاهی افراد و مراقبت بهداشتی؛
- استفاده از مدل‌های تجربه شده موفق برای تکرار در نواحی دیگر؛
- ایجاد محیطی توانا متناسب با وضعیت زنان روستایی از جمله چشم‌انداز یکپارچه جنسیتی در خط‌مشی‌های بزرگ اقتصادی و توسعه سیستم‌های حمایتی و اجتماعی مناسب؛
- طرح و اصلاح قوانین به منظور اطمینان از این که زنان روستایی از حقوق مساوی برای مالکیت زمین و سایر امکانات برخوردار هستند از جمله: اعتبار، فن‌آوری‌های مناسب، دسترسی به بازار و اطلاعات؛
- پی‌موندن مراحلی که کار بی‌موجب زنان و مشارکت در تولیدات داخل و خارج از مزرعه و همچنین در آمدزایی در بخش غیررسمی نمایان گردد و ارزیابی امکان‌پذیری سازوکار بهبودبخشی و توسعه، از قبیل مطالعات زمان‌بر، به منظور اندازه‌گیری واحدهای کیفی کار و شناخت توانایی برای منعکس ساختن خط‌مشی‌های کارکردی و پایه‌ای در سطوح ملی و ناحیه‌ای (Bookman and Morgan, 1984)؛
- سرمایه‌گذاری و تقویت تلاش‌ها به منظور شناخت نیازهای پایه‌ای زنان روستایی به واسطه ظرفیت‌سازی و توسعه منابع انسانی و تهیه منابع آبی مناسب و سالم، سرویس‌های بهداشتی و برنامه‌های غذایی؛
- آموزش برنامه‌های سوادآموزی و حمایت اجتماعی؛
- پی‌گیری توانایی (پتانسیل) و توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی؛
- حمایت کامل و مشارکت مساوی در تصمیم‌گیری در تمام سطوح از جمله: در ساختارهای روستایی، تهیه آموزش و برنامه‌های ظرفیت‌سازی و سوادآموزی قانونی؛
- تبلیغ و ترویج برنامه‌هایی به منظور توانا ساختن زنان روستایی با وفق دادن مسئولیت‌های کاری و خانه و تشویق مردان برای تسهیم مساوی مسئولیت‌های خانه با زنان و بچه‌ها؛
- طرح و اجرای خط‌مشی‌هایی که تبلیغ‌کننده و محافظ لذت زنان نسبت به حقوق بشری و آزادی‌های اساسی و خلق محیطی که نادیده گرفتن حقوق زنان و دختران روستایی را تحمل نمی‌کند؛
- یکپارچه‌سازی چشم‌انداز جنسیتی در طرح، اجرا، حفظ و ارزشیابی برنامه‌ها و خط‌مشی‌های توسعه با تاکید بر کاهش شمار زنان روستایی که در فقر زندگی می‌کنند؛

● طرح برنامه‌های مساعد خاص و سرویس‌های مشاوره‌ای برای تبلیغ مهارت‌های اقتصادی زنان در بانکداری، گرایش‌ات نو و تولیدات اساسی و فراهم ساختن اعتبارات خرد و سایر سرویس‌های تجاری و اساسی برای شمار زیادی از زنان در نواحی روستایی برای توانمندسازی اقتصادی آنها؛

● سرمایه‌گذاری سازمان‌های وابسته به سیستم‌های بین‌المللی با موضوع توسعه برای مشخص ساختن و حمایت از برنامه‌های توانمندسازی زنان و نیازهای خاص آنها در برنامه‌هایشان از جمله در زمینه جهانی شدن؛

● پافشاری بر نیاز به شناخت بهتر عملکردها با اطمینان از این که زنان دسترسی و مشارکت کامل در گرفتن اطلاعات و فن‌آوری‌های جمعی را دارند (Anonymous, 2001).

راهبردهای توانمندسازی زنان

نقش خدمات اعتباری خرد در توانمندسازی زنان

دسترسی آسان به اعتبارات و بهبود دسترسی به خدمات ترویجی در بخش کشاورزی و غیرکشاورزی در حیطه فعالیت‌های اقتصاد کشاورزی خانگی با داشتن مالکیت‌های کوچک به عنوان ابزارهای اساسی و حساس در بهبود وضعیت اقتصادی زنان مشخص شده‌اند. اهداف کلیدی هر فعالیت در این زمینه فقط مربوط به تسهیل دسترسی به اعتبار نیست؛ بلکه اطمینان از مفید بودن خدمات ترویجی و کاربرد مؤثر آنهاست. بهبود دسترسی به اعتبار و محیط مناسب برای فعالیت زنان در نواحی روستایی یک وظیفه ساده نیست. اما تدارک سازوکار پایدار برای حمایت از نیازهای مالی و اعتباری خرد زنان روستایی فاقد مزیت، به طور برجسته یک وظیفه دشوار است. این وظیفه در نواحی غیرهموار و کوهستانی بسیار مشکل است؛ به طور مثال در ناحیه جامو و کشمیر هر چند مشارکت بخش کشاورزی در اقتصاد خیلی چشمگیر نیست ولی کشاورزی یک فعالیت اقتصادی بسیار مهم به نظر می‌رسد و جمعیت روستایی به کشاورزی بسیار وابسته است. میانگین زمین آنها ۱/۵ هکتار است. جمعیت زنان این ناحیه ۴۸٪ از مجموع است که در بخش کشاورزی مشغول کار می‌باشند، به علاوه آنها مسئول کارهای خانه هستند. به خاطر محدودیت در آمد زراعی، مردان در جستجوی کار در بخش‌های غیرکشاورزی می‌باشند. مهاجرت مردان در جستجوی کار زیاد است و در زمان مشابه زنان در تولید سبزی، پرورش طیور، فراوری غذا و مواظبت از دام‌ها مشغول می‌باشند. آنها همچنین مشغول کار جهت آماده کردن زمین، کندن علف‌های هرز می‌باشند و در غیاب شوهرانشان منبع اصلی کار هستند و همین امر کار آنها را دشوار ساخته است (Nodate, Bhatti). برنامه‌هایی با هدف تشویق زنان برای سازمان‌دهی خودشان با کمک و همکاری سرویس‌های ترویجی نه فقط برای برگزاری ملاقات‌های ترویجی بلکه به منظور توسعه و طرح فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی شروع شده است. هدف این راهکار (استراتژی) توسعه گروه‌ها به عنوان نهادهای روستایی گسترده و پایدار است. مدلی از توانمندسازی با نام مدل

هرمی وجود دارد که در رأس آن تبادل یا انتقال اجتماعی مطرح است که فرایندی به منظور بالا بردن سطح آگاهی افراد برای رفع نیازهای اقتصادی و اجتماعی معمول است و دو رأس دیگر را سرمایه‌گذاری و بالا بردن داده‌ها تشکیل می‌دهد. حقیقت این است که رهیافت‌های متعارفی به منظور ریشه‌کنی فقر در جوامع روستایی اجرا گردیده، ولی هنوز نتوانسته به هدف اصلی خود برسد و از دلایل اصلی آن ناتوانی مؤسسات دولتی است که فاقد ظرفیت و حساسیت لازم برای مشخص ساختن نیازهای افراد روستایی هستند و نیاز به ایجاد پلی بین بخش دولتی و ساکنین روستاها می‌باشد. در این صورت افراد قادر به حل مسائل خود می‌باشند و به واسطه منابعی که در دست دارند قادر به توسعه و مشارکت فعال به منظور تشخیص نیازهایشان می‌باشند و با توجه به منابع موجود اولویت‌بندی و برنامه‌ریزی را بایستی در دستور کار قرار دهیم (Purohit, 2000).

افزایش دسترسی به دارایی‌های خرد، فرضی برای آغاز یک رشته فعالیت دورانی است. توانمندسازی اقتصادی، آغازی خوب برای زنان و خانواده‌هایشان می‌باشد. توانمندی اقتصادی و اجتماعی گسترده متضمن فرض‌هایی است که متقابلاً تقویت‌کننده توانمندی است که می‌تواند تحت دسترسی زنان به دارایی‌های خرد با حمایت صریح از زنان برای افزایش درآمدها و با دفاع و پشتیبانی از علایق و تغییرات گسترده اقتصادی و اجتماعی در جنسیت یا ارتباطات کلاسی اتفاق افتد. مدارک موجود از پیامد ارتباطات جنسیتی و برنامه‌های دارایی‌های خرد محدود است و مطالعات اندکی در رابطه با موضوع و راهبردهای مناسب با این موارد سرمایه‌گذاری شده است. تحقیقات مستقلی در این زمینه از طریق برنامه‌های خرد در بنگلادش صورت گرفته و این برنامه‌های مشابه نتایج متفاوتی را دربرداشته‌اند (Mayoux, 1998). «گوئنز» معتقد است، شرایط ارائه سرمایه‌های خرد با دسترسی و توانایی زنان برای استفاده از دارایی‌های خرد با افزایش در آمد و کنترل آنها مرتبط است. خط‌مشی جنسیتی در این مورد شامل، شرایط ارائه سرمایه‌های خرد با حمایت از توانمندی، هزینه اثربخشی سرویس‌های مکمل و خط‌مشی جنسیتی است. راهبرد توانمندسازی از طریق این مشخصه شامل ثبت دارایی‌های موجود به عنوان وثیقه یا بابت خرید زمین به نام زنان یا به طور مشترک؛ انتخاب چندبعدی، انتخاب براساس مشورت مشارکتی، از جمله دریافت وام برای آغاز فعالیت‌های جدید، آموزش بهداشت و خانه‌داری.

توسعه برنامه اعتبارات خرد و پس‌اندازها

برنامه اعتبارات خرد برای زنان روستایی الزامی و نیروی محرک و انگیزه‌ای بر پایه مشاوره ترویجی است. به منظور استفاده از اعتبارات دوره وجود دارد:

- ۱- آماده کردن اعتبار برای بهره‌بران و ایجاد پایداری، تشویق به جلب سرمایه‌گذاری و کاربرد پس‌انداز، هدایت اعضا در افزایش نرخ طولانی سرمایه‌گذاری به علاوه مالیات برای پوشش دادن به مقداری از هزینه.
- ۲- تجربه دوباره افراد و نشان دادن علاقه‌شان در توسعه سیستم‌های اعتباری، فراهم

ساختن مسیر با انطباق سرمایه برای افزایش ائتلاف مشترک اعتباری جوامع (Kaiz, 2000).

معیارهای انتخاب کارکردهای اعتباری

تنظیم درخواست برای اعتبارهای تخصیص داده شده عبارت است از:

- ۱- عضویت زنان در سازمان‌های توسعه؛
- ۲- برنامه اعضا باید از نظر اقتصادی، اجتماعی و فنی قابل دوام و مناسب باشد؛
- ۳- داشتن تجربه قبلی و مایل بودن در به دست آوردن آموزش به منظور بهبود مهارت‌های حرفه‌ای و مدیریتی؛
- ۴- محدود بودن در استفاده از یک نوع خدمات اعتباری؛
- ۵- مؤسسات، توصیه‌های اعتباری را برای اعضا فراهم ساخته و مسئول بهبود شرایط می‌باشند.

کاربران بایستی شرایط درخواست برنامه اعتباری را بپذیرند. در حقیقت با وجود سازمان‌های متنوع در زمینه اعتباررسانی به زنان آنها هنوز قادر به استفاده از اعتبار برای کارکردهای تولیدی در زمینه دامداری، پرورش طیور و فعالیت‌های زراعی نیستند و شواهد حاکی از آن است که اعضای اندکی توانسته‌اند اعتبار دریافت کنند و فرض بر این بوده که فاقد چنین نیاز هستند؛ اما حقیقت این است که داده‌های زراعی در نواحی روستایی در دسترس نیست تا به بهترین نحو از آنها استفاده شود. طرح‌هایی که بدین منظور در مناطق روستایی آغاز شده‌اند، هنوز موفق نشده‌اند به تمام افراد در نواحی مختلف اجرای طرح اعتبار لازم را برسانند. شاید یکی از دلایل آن شروع به کار دیر آنها باشد و برنامه اعتباررسانی هنوز در مراحل ابتدایی است و راه زیادی برای رسیدن به هدف اصلی خود دارد (Bhatti, Nodate).

نقش خدمات ترویجی در توانمندسازی زنان

خدمات ترویجی به منظور مساعدت و یاری گروه زنان برای اجراء و دنبال کردن فعالیتهای جاری داخل و خارج مزرعه سازمان دهی گردیده است که همکاری با واحدهای توسعه جوامع و مشارکت در شکل دهی CDGS، طرح فعالیت‌های فصلی کشاورزی در ملاقات‌های گروهی، معرفی فن‌آوری فراهم شده برای زنان، تسهیل فعالیت‌های زنان در تدارک و تهیه بذر، مبارزه با آفات و بیماری‌ها و پرورش طیور، آموزش زنان در فعالیت‌های درآمدزای پایه‌ای کشاورزی، دنبال کردن نمایش‌های ترسیم شده و ثبت داده‌ها، توسعه و طرح ارتباطات با سایر مؤسسات و سازمان‌ها از دیگر فعالیت‌ها است. تبلیغ فعالیت‌های هماهنگ و تعارض گروه‌های آزاد برای به دست آوردن، رسیدن و کاربرد فرایند مشارکتی در ارائه و کاربرد خدمات ترویجی است. خدمات ترویجی یک داده خارجی است و هزینه آن به وسیله برنامه‌های طرحی تهیه شده است. بایستی خاطرنشان کرد که خدمات ترویجی برای فقرای روستایی و گروه‌های محروم فقط به واسطه سیستم‌های اعتباری، حمایت شده است. سیستم‌های اعتباری برای گروه‌های آسیب‌پذیر خارج از سنت و تجارب به کار گرفته شده‌اند (Rhyne and Otero, 1994).

فعالیت‌های ترویجی برای تولید محصولات کشاورزی، برابری جنسیتی و کاهش فقر روستایی سرویس دهی می‌کنند. در هر مورد مسائل بالقوه و تنگنانهایی شناخته و مشخص گردیده است و باید به منظور پوشش به اهداف توانمندسازی به واسطه ابزارهایی که می‌توانند تکمیل کننده باشند به آنها توجه خاصی داشت:

- ۱- طرح برنامه براساس واقعیت‌ها، وضعیت خاص و تشخیص نیازها؛
- ۲- برنامه‌های پایه‌گذاری شده براساس داده‌ها جمع‌آوری شده از ارزیابی نیازها با توجه به موضوع جنسیت؛
- ۳- دسترسی زنان به سرویس‌های ترویجی و آغاز درگیری در طرح برنامه‌های ترویجی و برنامه‌ریزی، خصوصاً روی کشاورزان زن؛
- ۴- ارزشیابی آزمایشی نرخ پذیرش برنامه‌های ترویجی و پیامد حاصل از آن در کشاورزی؛
- ۵- استخدام زنان به عنوان کارکنان حرفه‌ای، نیمه حرفه‌ای و مأموران میدانی برای ارائه خدمات ترویجی در جایی که مناسب می‌باشند؛
- ۶- خدمات آموزشی مربوط به کارمندان زن در سازمان‌های مدیریتی و مأموران در انتقال اطلاعات و مهارت‌های فنی (Mayoux, 1999).
- ۷- شکل دهی خدمات ترویجی مربوط به گروه‌های زن روستایی برای توسعه تلاش‌های مربوط به تعاونی‌های روستایی؛ این فعالیت‌ها حداقل در ترویج مورد نیاز می‌باشند: ۱- توسعه دورنما و چشم‌انداز مخاطبان زن کشاورز به عنوان گروه‌های هدف، ۲- تعیین و تشخیص سطوح مشارکت کشاورزان زن در برنامه‌های ترویجی، ۳- حسابرسی تولیدات و مشخصه‌های مؤثر در بالا بردن تولید زنان، ۴- اطمینان از فن‌آوری مناسب و کاربرد آنها برای کشاورزان زن، ۵- تصور غلبه بر محدودیت‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که آنها را در مسیر اصلی جوامع به کار وادارد. باور ما بر این است که ترویج یک رسانگر مناسب برای زنان در تلاش‌های مربوط به توسعه رسمی و توانمندسازی آنها است (Rivera, 1990).

سازمان‌های غیردولتی و توانمندسازی زنان

سازمان‌های غیردولتی نه تنها توانمندسازی اقتصادی زنان را به عنوان یک هدف می‌بینند، بلکه عامل اتحاد و همبستگی زنان فقیر در گروه‌ها، به عنوان یک مواجهه بزرگ هستند. اگر برنامه‌ها به طور جمعی متعهد شوند، احتمال بیشتری برای رسیدن به اهدافشان را دارند. ارائه فعالیت‌های درآمدزا و تهیه اعتبارات از وظایف اصلی این سازمان‌ها است. برنامه‌های اعتباری می‌توانند ابزاری برای توانمندسازی باشند. این برنامه‌ها با سازمان دهی زنان فقیر روستایی در گروه‌های کوچک شروع به کار می‌کنند. تشکیلات گروهی به واسطه زنان، به ایجاد حمایت و انسجام گروهی کمک می‌کنند. این گروه‌های مشارکتی، موضوعاتی از قبیل برنامه‌ریزی

خانوار، موضوعات قانونی را که مهم هستند انتخاب می‌کنند که به واسطه گروه‌های اعتباری زنان به سرمایه دسترسی دارند. وام‌های داده شده از طرف این سازمان‌ها آنها را در بالا بردن موقعیتشان نسبت به همسرانشان و سایر اعضای خانوار کمک می‌کند. یکی دیگر از عملکردهای این سازمان‌ها این است که نیازهای عملی (کاربردی) کامل می‌گردد. نیازهای راهبردی (استراتژیک) به وسیله جوامع و خانواده‌ها شناخته می‌شود و شرایط و موقعیت‌ها قابل تعویض می‌باشند. برنامه‌های تأمین اعتبار پیامد قابل مشاهده‌ای در توانمندسازی زنان دارد. جایگاه تصمیم‌گیری زنان در خانواده افزایش می‌یابد و این عوامل تقویت‌کننده شرایط اقتصادی می‌باشند. تقویت کارکرد درآمدی همراه با تقویت اموال و دارایی زنان از دیگر نقش‌های جدید است. اگر زنان قدرت مالی برای همسرانشان نباشند وابستگی بیشتری به همسرانشان داشته و عدم تساوی جنسیتی مستحکم‌تر خواهد شد. سازمان‌های غیردولتی فراهم‌کننده حمایت‌های غیراقتصادی از قبیل مراقبت بهداشتی، آموزش ابتدایی و غیررسمی، برنامه‌های تنظیم خانوار به منظور افزایش مهارت یادگیری آموزشی می‌باشند. همچنین این سازمان‌ها، سازمان‌دهی گروهی را به منظور دریافت برنامه‌های اعتباری افزایش داده‌اند. آموزش‌های رسمی دولتی اغلب زنان را در تقویت نقششان کمک می‌کند و هیچ‌گونه تغییری در ارتباط با یکدیگر یا بیرون از خانوار به وجود نمی‌آورند. به بیان دیگر آموزش غیررسمی به واسطه سازمان‌های غیردولتی، جستجو برای تبلیغ و ترویج آگاهی در میان زنان در رابطه با عدم تساوی جنسی است تا از این گذر زنان نه تنها علت ظلم و ستم نسبت به خود را بفهمند، بلکه مراحل را برای بهبود شرایطشان طی کنند (Abdullaheh, 1997). ایجاد گروه‌های خودیار و سرمایه‌گذار در امور زنان در حال افزایش است و کارایی این گروه‌ها شایسته و سزاوار است. هیچ سرمایه‌گذاری و مساعدت خارجی برای شروع کار و هدایت عملکردهای این گروه صورت نگرفته است. مبالغ سرمایه و سپرده‌گذاری رشد داشته و اعتبارات به وسیله بانک‌های روستایی نزدیک تأمین گردیده است. زنان عضو، مراجعاتشان را با هدف تولید و سرمایه‌گذاری بیشتر وسعت داده‌اند. گروه‌های خودیار و مشارکتی ملاقات‌های منظمی را به منظور ثبت شاخص‌هایی که لازم است به عمل می‌آورند. گروه‌های زنان به طور کافی با فعالیت به عنوان راهنما و حمایت از جانب گروه‌های جوان توانمند شده‌اند و فن‌آوری‌های جدید و مناسب برای توسعه محلی طرح و انتخاب گردیده‌اند. پیامدهای حاصل از طرح‌ها و برنامه‌های توانمندسازی عبارت است از:

- ۱- مشارکت جوامع و افراد، خودیاری و خوداعتمادی؛
- ۲- برابری جنسیتی به واسطه توانمندسازی زنان؛
- ۳- کاهش فقر؛ زیرا توانمندسازی یکی از ابزارهای کاهش فقر است و یکی از علل قوی فقر عدم توانمندسازی است.

توانمندسازی و بهداشت باروری

این موضوع مشخص گردیده که تشویق زنان در فعالیت‌های اعتباری گروهی و توانمندسازی به طور مثبتی مرتبط با استفاده از وسایل ضدبارداری است. موفقیت افزایش استفاده از این وسایل (ضدبارداری) توسعه و تعادل اقتصادی را فراهم می‌سازد. سرویس‌ها و خدماتی بدین منظور در سایر کشورها فراهم گردیده و نتایج حاصل از آن حکایت از تأثیرپذیری بالا در افراد روستایی دارد. هنگامی که دانش عمومی در زمینه استفاده از این وسایل افزایش و هزینه‌های اجتماعی کاهش یابد، استفاده از این ابزار افزایش می‌یابد. هر چند برنامه‌های توسعه، لوازم و منابع تابع را فراهم ساخته است. آماده کردن و دسترسی به اطلاعات از جانب زنان آنها را در بالا بردن اعتماد به نفس، عزت نفس و توانایی کنترل کارهایشان کمک خواهد کرد. امکان خلق زمینه‌ای در استفاده از وسایل ضدبارداری را افزایش خواهد داد. فرایند توانمندسازی اعتباری مشخص‌کننده مسائل ساختاری در تغییر قدرت ارتباطات و بهبود موقعیت مداخله‌ای زنان می‌باشد. زمینه‌های اجتماعی زنان تغییردهنده اقتصاد خانوار می‌باشد که بسیار پیچیده است. زنانی که در طرح‌های خودیاری و گروه‌های اعتباری مشغول هستند از موقعیت‌های جدید مدیریتی بهتری برخوردار هستند. استفاده از وسایل ضدبارداری به طور اقتصادی آنها را با تولد بچه‌های کمتر بهره‌مند می‌سازد. رشد احساسات زنان نسبت به خوداتکایی باروری و افزایش اظهارنظر در حوزه خانوار ممکن است باعث کاهش مقاومت مردان نسبت به عدم استفاده از وسایل ضدبارداری گردد. حقوق باروری زنان و توانمندسازی به یکدیگر مرتبط می‌باشند. افزایش جایگاه زنان همچنین، ظرفیت تصمیم‌گیری و ارتباطات جنسیتی را افزایش داده است و این اساسی برای موفقیت آینده و طولانی مدت برنامه‌های محلی است. همچنین دسترسی به سرویس‌های بهداشتی برای رسیدن به موفقیت در برنامه، می‌بایست در دستور کار قرار گیرد. در حال حاضر حتی سازمان‌های غیردولتی نتوانسته‌اند سرویس‌های بهداشتی را برای ترویج و تبلیغ این پیام که زنان باید کنترل بیشتری بر بدن خود و حق تصمیم‌گیری در رابطه با تعداد زاد و ولد داشته باشند، صورت دهد. مشارکت دادن زنان در چنین برنامه‌هایی هدایت‌کننده پروسه چرخشی (دینامیکی) توسعه اجتماعی برای افزایش خوداعتمادی و در نهایت توانمندسازی است (Anonymous, 2001).

چشم‌اندازها و چالش‌های توانمندسازی

۱- توانمندسازی و امنیت غذایی

نائل شدن به امنیت غذایی یکی از اهداف اصلی توسعه بوده است. هنگامی که کشوری وابسته می‌شود، راهبرد پذیرفته شده نائل شدن به خودکفایی در دسترسی به غذا بوده است. بالا بردن قدرت خرید (درآمد سالیانه) فقرا به واسطه توانمندسازی استفاده از دارایی‌ها و موجودی‌های زمین یا غیر زمین و ایجاد فرصت‌های اشتغال با توانمندی و قادر بودن در

دسترسی به غذا و مداخلات عمومی صورت گرفته است. کاهش بی‌ثباتی غذایی و فراهم ساختن شرایط مناسب برای فقرا و بخش‌های آسیب‌پذیر و نائل شدن به خودکفایی غذایی و جبران ناامنی غذایی گذرا به واسطه تهیه عمومی و توزیع غذا صورت گرفته است. در همین راستا بعضی از دولت‌ها از جمله دولت هند و (UNDP) هر دو، اولویت زیادی به امنیت غذایی داده‌اند و سند برنامه حمایتی را امضا نموده‌اند. در این برنامه تصمیم بر این بود که منابع محدود در دسترس، برای نوآوری‌های برنامه‌ریزی شده اختصاص یابد و برنامه امنیت غذایی تساوی حقوق زن و مرد در کشاورزی مشخص شود. در چنین حالتی افزایش ظرفیت یا هزینه عمومی امنیت غذایی خانوار برای زنان به وسیله ارتباطات جنسیتی و ظرفیت‌سازی متمرکز خواهد بود. اهداف دولت هند و (UNDP) در برنامه‌هایی غذایی عبارتند از:

الف - افزایش تولید غذا به واسطه افزایش تولیدات کشاورزی با افزایش تولید و بهبود روش‌های کشاورزی؛

ب - به کار بردن سیستم‌های متنوع کشاورزی و افزایش ارزش افزوده به واسطه پروسه کشاورزی برای بهبود معیشت خانوار؛

ج - انتقال فن‌آوری نو برای کارکردهای کشاورزی پایدار با تمرکز بر بارانی کردن زمین‌های حاشیه‌ای؛

د - بهبود دسترسی به غذا به واسطه اظهارنظران یا سیستم‌های توزیع گزیدارها؛

ه - مشخص ساختن موضوعات جنسیتی مربوط به امنیت غذایی و فراهم ساختن راه‌حل‌های واقعی برای برابری زن و مرد در کشاورزی.

۲- توسعه پایدار و توانمندسازی زنان

برنامه‌هایی با محوریت زنان در فرایند کشاورزی پایدار، شناخته شده است و حمایت مستقیمی از فعالیت‌های مطرح شده برای توانمندسازی کشاورزان زن گروه‌های حاشیه‌نشین به طور اجتماعی و اقتصادی فراهم گردیده است. این برنامه‌ها ظرفیت‌های گوناگونی را برای زنان کشاورز همانند سیستم ترویج کشاورزی با مشخص ساختن موضوع کشاورزی پایدار و افزایش تولیدات کشاورزی فراهم ساخته است. این ابداع یک چرخه یادگیری را برای زنانی که با تجربه فن‌آوری‌های نو و سیستم‌های کشاورزی توانا هستند فراهم ساخته است. با تسهیل یک مداخله مستقیم بین گروه‌های زن محلی و بخش کشاورزی، زیربخشی خلق خواهد شد که استفاده از بازخورد پیوسته را امکان‌پذیر می‌کند و پاسخ‌دهی به سیستم و اولویت‌بندی نیازهای زنان روستایی را که جزئی از این برنامه‌ها می‌باشد افزایش می‌دهد (UNFPA, 1997). توانمندسازی زنان فرایندی چرخشی و در حال پیشرفت مداوم است که افزایش‌دهنده توانایی

زنان برای تغییر ساختارها و ایدئولوژی‌هایی است که آنها را تابع و وابسته نگه داشته است. این فرایند آنها را برای دسترسی بیشتر به منابع و تصمیم‌گیری، کنترل بیشتر بر زندگی و استقلال بیشتر قادر ساخته است (Kunds, and Kunds, 2001). توانمندسازی فرایندی است که تصور زنان از خودشان و اجتماع را تغییر داده و بهبود می‌بخشد و آنها را برای رویارویی، چالش و تغییر نه فقط در زمینه ارتباطات جنسیتی، بلکه همه رتبه‌ها، طبقات و ارتباطات غیرمنصفانه در جامعه قادر می‌سازد. این فرایند به توانمندسازی طبیعی و توانمندسازی همه گروه‌های حاشیه‌نشین مرتبط است. منازعه و انگیزش زنان، کارگران و روستائیان، برای رسیدن به تمرکززدایی، دموکراسی و حقوق انسانی از دیگر جنبه‌ها است. توانمندسازی زنان یک فرایند یک طرفه نیست بلکه در جایی که سایر فعالیت‌ها و تجارب می‌تواند ادامه یابد و دیگران را توانمند سازد، این فرایند چندبعدی، یکپارچه و رو به پیشرفت است (Rapport, 1984).

محورهای توانمندسازی زنان

- ۱- مشارکت زنان برای تأسیس جامعه مدنی؛
- ۲- افزایش دانش، مهارت‌ها و تجارب زنان در سایر حیطه‌ها و نواحی که آنها مشغولند؛
- ۳- خلق و ایجاد یک محیط اجتماعی که به زنان اعتماد به نفس و عزت نفس دهد؛
- ۴- فراهم ساختن فرصت‌ها برای توانمندی آموزشی دختران و زنان و آماده ساختن و حمایت از آنان تا به سوی نقش‌های غیرسنتی حرکت کنند و خودشان قادر به تصمیم‌گیری در رابطه با خود باشند؛
- ۵- افزایش مشارکت زنان در فرایندهای سیاسی در همه سطوح؛
- ۶- استفاده از تسهیلات و منابع موجود در دسترس؛
- ۷- توانمندی آنها برای دسترسی مجدد و کنترل بیشتر بر ابزارهای تولید، دارایی و منابع دیگر کاری و درآمد (Chawla, 2000).

فن‌آوری‌های نو

آریب‌های فرهنگی و اجتماعی غالب و معمول، مشارکت داده شدند با درک این که زنان توانایی محدودی برای به دست آوردن فن‌آوری‌های بالا دارند. طبق یافته‌های دانشمندان چون (Bahari, lin, Safilos, Rothchild and Mahmud, 1999) تنگنای اصلی در دسترسی زنان به ترویج کشاورزی، معلول این عقیده است که زنان خانه‌داران ابتدایی می‌باشند، تا کشاورزان تصمیم‌گیر. عقیده این است که خدمات ترویجی به طور نسبی متمرکز بر کشاورزان مرد است و انتظار این است که کار به سمت کشاورزان زن جهت‌گیری شود؛ بنابراین انتخاب فن‌آوری و اختصاص منابع برای فن‌آوری‌هایی که زنان را سرویس دهی می‌کنند، تصمیمات سیاسی را مشخص و آشکار می‌سازد. زنان روستایی فاقد قدرت سیاسی برای تأثیرگذاری بر انتخاب فن‌آوری هستند که برای استفاده و سپس انتقال به جوامع روستایی استفاده می‌شود

(Chawla, 2003). مطالعه IFAD مشخص ساخت که افزایش دسترسی به فن‌آوری، تعدادی از پیامدهای پیچیده را با توجه به اثر و پیامدی که بر زنان دارد در برمی‌گیرد. جستجوی فن‌آوری مناسب برای زنان باید به سمت سندهای ترکیبی از عقاید جدید و سنتی هدایت گردد. استفاده از فن‌آوری ساده برای زنان فقیر مطلوب است؛ اما باید همه روش‌ها برای بهبود فن‌آوری مسئول با اجتناب از محصور و محدود کردن زنان به سطوح پایین توأم باشند (Jazairy, 1992). از میان محورهای اصلی برنامه‌های توسعه، توانمندسازی زنان و تحرک اجتماعی از جمله مهم‌ترین فعالیتها و طرح‌ها است (UNDP, 1999):

- ۱- مشخص ساختن کار بی‌مزد زنان در خانه و مزارع، بدین منظور (CEDRW) کمیانی‌هایی را برای دختران بالغ سازمان‌دهی کرده است تا بتوانند جوامعشان را توانمند سازند این راهبرد به سمت ایجاد آموزش برای دختران و زنان در زمینه کشاورزی، باغبانی، بهداشت، تغذیه و فعالیت‌های فرهنگی هدایت گردیده است. انگیزش برای یادگیری به طور فزاینده‌ای با فراهم ساختن کتاب‌های آموزشی، کادرها، مدل‌ها، مجله‌ها و روزنامه‌های محلی افزایش یافته است.
- ۲- آموزش کشاورزان زن و مرد؛ این امر افزایش بازده محصول را با ارائه برنامه‌های هم‌صنف در زمینه تولید و فروش در بر دارد.
- ۳- به کار گماشتن معلمان حرفه‌ای برای کار عملی؛ برنامه آموزش حرفه‌ای، معلمان را برای کار عملی آماده و داوطلبان محلی زن در پدگژی و مدیریت خانه آموزش می‌بینند.

چالش‌های توانمندسازی

فقر

حذف فقر و توانمندسازی زنان عباراتی در امتداد یکدیگرند. احتمال فقر زنان در مقابل مردان دو برابر یک است. فقر، حذف خواهد شد اگر حقوق انسانی زنان برآورده گردد. حرکت به سمت برابری جنسیت و تسهیم مناسبات برای زنان از مزایای توسعه هدایت شده در راهبردهای بین‌المللی توسعه است. در قرن بیستم ما شاهد پیشرفت‌های جهانی اقتصاد و اجتماع نسبت به قرن قبلی بودیم، اما متأسفانه تازیه فقر هنوز باقی مانده است. در این راه گام‌های بزرگی برداشته شده است، اما هنوز تبعیض علیه زنان در هر گوشه از جهان و حقیقتاً در هر جنبه از زندگی وجود دارد. از هر کودکی که به مدرسه نمی‌رود دو نفر از آنها دختر هستند. نیم میلیون زن در سال به دلیل زایمان یا سقط جنین می‌میرند. زنان در حال حاضر نسبت به مردان در ابتلا به ایدز سبقت دارند و میلیون‌ها زن تحت سوءاستفاده و بدرفتاری هستند. به ازای هر زن عضو پارلمان در سراسر جهان نه نفر مرد می‌باشد و سیر صعودی این نسبت همچنان ادامه دارد. تبعیض علیه زنان، تجاوز به حقوق آنها است. این مورد همچنین یک تنگنای بزرگ ادامه‌دار را برای توسعه خلق کرده است. مدارک کلان نشان می‌دهد که

توانمندسازی زنان و سرمایه‌گذاری برای آنها سود و سهامی بزرگ برای توسعه به وجود می‌آورد. فرستادن دختران به مدرسه راه مؤثری در حذف فقر است. همچنین این عامل افزایش دهنده انتظار زندگی، کاهش تعداد افراد خانوار، بهبود وضعیت و بقاء کودکان، افزایش دهنده تولید و قادرسازی زنان برای غلبه بر تقاضاهای دوردست در زندگی شخصی و عمومی است (FAO, 2003).

توسعه بخش بین‌المللی حیطه‌های توانمندسازی زنان را در همه حیطه‌ها و نواحی قابل توسعه می‌داند. این سازمان همچنین با اعضایش برای اطمینان از برابری جنسیتی که از مسیرهای اصلی و تلاش‌های توسعه است کار کرده است.

اهداف DFIDS برای توانمندسازی:

- ۱- حفظ برابری در حقوق انسانی برای زنان و دختران؛
- ۲- تبلیغ و ترویج اصلاحات مطرح شده به منظور امنیت در معیشت پایدار و حذف تبعیض در قوانین؛
- ۳- حذف شکاف جنسیتی در توسعه انسانی؛
- ۴- تواناسازی اکثر زنان برای به عهده گرفتن نقش‌های عمده؛
- ۵- حذف بدرفتاری علیه زنان؛
- ۶- تقویت مکانیسم‌های آموزشی که حفاظت‌کننده زنان از تبعیض و قادرسازی آنها برای به دست آوردن فرصت‌های یکسان است؛
- ۷- ترویج و تبلیغ رهیافت‌های آگاهی‌دهنده جنسیت برای مدیریت محیطی و چالش برانگیز کلیشه جنسیت.

بخش توسعه بین‌المللی (DFIDS) در رسیدن به این اهداف با دولت‌ها، جوامع مدنی و بخش خصوصی همکاری داشته است. تلاش برای همکاری تنگاتنگ و بهتر با سازمان‌های اهداکننده، سازمان‌های مستقل و بانک‌های توسعه وجود دارد. هدف این سازمان تقویت ظرفیت به واسطه توسعه دانش، تحقیق و آموزش بهتر جنسیتی و شکل‌های دیگر ظرفیت‌سازی است و رسیدن به پیشرفت‌های قابل اندازه‌گیری برای زنان با اطمینان از برابری و عدالت اجتماعی و پیمودن و تجسس یک مسیر اصلی برای حذف فقر است (DFIDS, 2000).

عدم برابری جنسیتی

۲
بحث کلیدی حاصل از تجزیه (UNDP) در سال ۱۹۹۹، مشخص ساخت که پیشرفت به سمت برابری جنسیتی تنها وابسته به سطوح درآمدی جامعه نیست، بلکه بیشتر وابسته به خط‌مشی‌های آینده، دسترسی برابر دختران و پسران به آموزش ابتدایی و ثانوی تا سال ۲۰۰۵

تشخیص داده شد که مقیاسی کلیدی برای پیشرفت به سمت برابری جنسیتی است؛ اما ضرورتاً آموزش به تنهایی کافی نخواهد بود. عدم برابری بین زنان و مردان ریشه عمیقی دارد و در امور فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مشاهده گردیده است. از حیثه‌های کلیدی عدم برابری، توسعه اقتصادی و امنیت معیشت است. مطابق با پیمایش (UN) زنان ۵۳ درصد از فعالیت‌های اقتصادی را در کشورهای در حال توسعه انجام می‌دهند؛ اما فقط یک سوم از کارشان در حال حاضر به حساب آورده می‌شود و در محاسبات ملی مورد قدردانی قرار می‌گیرد.

توسعه انسانی

تحقیق بانک جهانی مشخص ساخت که آموزش برای دختران بیشتر راه حلی یگانه و مؤثر در کاهش فقر است. زنان حتی با سال‌های اندکی از آموزش پایه؛ دارای خانواده‌های سالم و کوچک‌تر می‌باشند. مرگ و میر کودکان کمتر و به ازای اضافه شدن سال‌های آموزش، مرگ و میر کودکان بین ۵ تا ۱۰ درصد کاهش می‌یابد. مطابق با پیمایش صورت گرفته از سوی ILO ۸۰۰,۰۰۰ دختر بچه در تایلند، ۴۰۰,۰۰۰ در برزیل و ۱۰۰,۰۰۰ در فیلیپین و نیم میلیون در نقاط دیگر جزء نیروی کار محسوب شده و مجبور به کار در مراحل اول زندگی برای کمک به خانواده‌هایشان برای رفع فقر هستند.

عدم امنیت شخصی و بدرفتاری علیه زنان

در قسمت‌هایی از شرق و جنوب آسیا، تعدادی از سنت‌ها دختران را به عنوان یک هزینه عمومی می‌بینند تا یک ارزش. فرزندکشی، انتخاب جنس و سقط جنین و نگاه برتر به پسران در مراقبت اولیه، ظاهراً پدیدار شده است و به سمت عدم دموکراسی هدایت شده که این نشان‌دهنده از دست رفتن و ناپدید شدن بخشی از جمعیت بوده است (Corazonom, 1999).

عدم توانمندی سیاسی

زنان به طور فقیرانه در همه سطوح سیاسی و تصمیم‌گیری ظاهر شده و از جانب سیاستمداران مورد غفلت واقع شده‌اند. در سال ۱۹۹۹ زنان فقط ۱۲/۵ درصد از صندلی‌های مجالس دنیا را در اختیار داشته و تنها ۸/۷ درصد از آنها در کشورهای در حال توسعه بوده‌اند (IPPF, 1999).

فعالان کلیدی در رفع چالش‌ها

• دولت؛ دولت دخالت‌دهنده منابع عمومی برای ارائه خدمات اساسی از طریق دستور برابری

1. United Nations
2. International Labour Organization

برای فعالان در جامعه و همچنین بخش خصوصی است.

• **جامعه مدنی؛** جامعه مدنی فراهم کننده راه حل های نوپا براساس واقعیت های فرهنگی و اجتماعی است که می تواند در بهبود پیامدهای حاصل از برنامه لحاظ شود.
• **بخش خصوصی؛** بخش خصوصی در همه بخش ها اسباب رشد، توسعه و استاندارد در ارتباط با حقوق مصرف کنندگان است. این سازمان های اهداکننده شامل:

(UNIFEM^۱، UNDP^۲، UNICEF^۳، ILO^۴، UNESCO^۵، UNCTAD^۶، bank) (DAC^۱، EC^۲، ADB، World) می باشند. نرخ سوادآموزی کم، جایگاه و موقعیت پایین زنان، تفاوت جنسیتی، در توزیع غذا، آموزش، بهداشت و اقتصاد خانه، محدود بودن انتقال، فقدان کنترل بر منابع، محدودیت استقلال و تصمیم گیری، سطح پایین آگاهی از حقوق شهروندی و انسانی، نادیده گرفتن نقش زنان در بخش اقتصاد از جمله کار نامرئی و نادیده انگاشته شده، مشارکت اصلی در درآمد خانوار، کار بالا در اقتصاد روستایی، عدم ثبات در کار زنان (عدم مستندسازی) از جمله چالش های پیش روی زنان در توانمندسازی است (DFIDS, 2000).

چشم انداز توانمندسازی

در جهانی شدن توانمندسازی و برابری جنسیت، جوامع، ابزارهای حیاتی برای رسیدن به توسعه پایدار می باشند. اغلب راهبردهای توسعه اگر نقش محوری زنان را در نظر نداشته باشند، شکست خورده اند. تمام حیطه عمل و نقش زنان برای نبرد با فقر، گرسنگی و بیماری نیازمند تجدیدنظر سیاست دولت ها در هزاره جدید است. هیچ راهبرد صلحی، احتمالاً نمی تواند در غیاب زنان موفق باشد و مردان بایستی از پتانسیل بالقوه زنان آگاه باشند. مطالعات بیانگر این است که جهانی شدن ممکن است با پیامدهای منفی و عام در به وجود آوردن جوی ترسناک تر مشارکت داشته باشد (Hillol, 1999).

تجربیات جهانی در زمینه توانمندسازی زنان • آفریقا

غنا: آموزش برای توانمندسازی داوطلبانه در موضوعات بهداشتی، سرویس هایی را در زمینه

1. The United Nations Development Fund for Women
2. The United Nations Development Programme
3. United Nations Children's Fund
4. The International Labour Organisation
5. The United Nations Scientific, Educational and Cultural Organisations
6. UN Conference on Trade and Development
7. The European Commission
8. The Development assistance Committee

بهداشت زنان، موقعیت محیطی، وضعیت بارداری و زایمان برای آنان فراهم ساخته است.

آسیا

● هند:

آموزش و مراقبت بهداشتی جوامع به واسطه مشارکت زنان:

هدف این طرح، آموزش بهداشت به واسطه آموزش و مطرح ساختن زنان محلی به عنوان آموزشگران بهداشت است. هدف این برنامه‌ها، قادر ساختن زنان برای دستیابی به حقوق واقعی‌شان و دسترسی به سرویس‌های متنوع بهداشتی است. این برنامه‌ای روشمند و کل‌نگر است که آنها را در شناخت نیازهای بهداشتی و جستجوی راه‌ها و ابزارها برای خوداتکایی آماده ساخته است.

توانمندسازی به واسطه توسعه و طرح «شاب» در هند:

این طرح باعث حذف گرسنگی، فقر و درماندگی شده است. ترویج این طرح تبلیغ‌کننده روح همکاری به واسطه مشارکت در ذخیره، پس انداز و صرفه‌جویی است. توانمندسازی آنها به واسطه خوداعتمادی و خوداتکایی صورت گرفته است.

طرح توانمندسازی زنان مسیحی به واسطه برنامه بافندگی:

این طرح به منظور بهره‌مندی اقلیت محلی مسیحی که زیر خط فقر و در شرایط بد زندگی می‌کردند اجرا شد. هدف این طرح تجهیز زنان به مهارتی بود که آنها را در بهبود شرایط زندگی و درآمدزایی برای خانواده‌هایشان به واسطه یادگیری کمک کنند.

توانمندسازی زنان به واسطه فن‌آوری (آجرپزی):

این طرح در یک ناحیه خشک و عقب‌مانده اقتصادی اجرا گردید. در این ناحیه خشک، مردم اغلب مشغول کار کشاورزی هستند و اکثر زنان بی‌سوادند. این برنامه شکلی از گروه خودیار است که هدفش کمک به زنان در درآمدزایی است تا خط فقر را پایین برند.

توانمندسازی زنان فقیر قبیله‌ای به واسطه زنبیل‌بافی:

این طرح فرصت‌های اشتغال سودمندی را برای زنان قبیله‌های فقیر در کمک به آنها برای درآمدزایی، بهبود استانداردهای زندگی و بهداشت آغاز کرد، هدف این برنامه ایجاد آگاهی سیاسی و اجتماعی سودبران در گروه‌های خودیار برای تغییر اجتماعی به واسطه ساخت موقعیت اقتصادی بود.

ایجاد مشاغل پایدار برای روستاییان و زنان نیازمند:

این برنامه متمرکز بر مردم بی‌سواد و ناآگاه از ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی وابسته به کار کشاورزی بود و هدفش کمک به بهره‌برای زن مسیحی با ایجاد مشاغل پایدار برای خودکفایی و خوداعتمادی بود. طرح‌های اعتباری و پس‌انداز، آنها را برای سرمایه‌گذاری در آموزش کودکان و معالجات پزشکی آماده ساخت.

توانمندسازی زنان از طریق خیاطی:

هدف این طرح افزایش درآمد و بهبود شرایط زندگی گروه هدف، رفع فقر، گرسنگی،

بیماری، مرگ زودرس و مشارکت برای عدم وابستگی اقتصادی، گروه‌های خودیار و طرح‌های اعتباری و سرمایه‌گذاری بوده است (WN, 2002).

پاکستان: در پنجاب که از بزرگ‌ترین ایالت‌های پاکستان است ۲۵ درصد زنان بی‌سواد و ۶۵ درصد افراد در نواحی روستایی زندگی می‌کنند. بنیاد (NGO) مشاوره جوامع سوادآموزی در تساوی جنسیتی، مرحله ابتدایی توسعه را سوادآموزی می‌داند ترکیب شاخص بالای بی‌سوادی با نرخ بالای تولد، محیطی از فقر را ایجاد کرده است. بهبود زندگی زنان، خانواده و جوامعشان با مهیا شدن تجهیزات و ابزار یادگیری محقق می‌گردد. در حال حاضر بهبود کیفیت زندگی به واسطه توانمندسازی در زمینه فعالیت‌های اقتصادی و آموزش از اهداف اصلی سازمان BLCC است. آموزش‌ها، شامل آموزش‌های رسمی و غیررسمی از جمله برنامه‌های پشتیبانی شده به واسطه سازمان‌های اهداءکننده با تأسیس مراکز آموزشی غیررسمی است. این مؤسسات همچنین در زمینه توسعه اجتماعی و بالا بردن سطح آگاهی از جوامع از طریق رهیافت‌های چندبخشی اقدام می‌کنند از جمله تأسیس مراکز آموزشی ICE، توسعه مواد و نشر روزنامه‌های خبری، تأسیس کارگاه‌ها در مراکز یادگیری از این موارد است. توانمندسازی از جمله مفاهیم بنیادی است؛ زیرا زنان از گروه‌های حاشیه‌نشین هستند. بی‌سوادی گسترده در فقر روزافزون فقدان دانش مشارکتی زنان در فعالیت‌های اجتماعی نتیجه می‌دهد. این سازمان همچنین برنامه‌هایی را به منظور ظرفیت‌سازی زنان سازمان‌دهی نموده است. همچنین با همکاری زنان بهبود مهارت‌های یادگیری و توانمند ساختن آنان برای استفاده از این مهارت‌ها به منظور بهبود شرایط اقتصادی و برنامه‌هایی در حذف کار کودکان و مراکز صنعتی صورت گرفته است (FAO, 2003).

پیشنهادهایی در رابطه با تحقیقات بیشتر در توانمندسازی

- ۱- زنان مشارکت‌کنندگان اصلی در تولید محصولات کشاورزی می‌باشند.
- ۲- فعالیت‌های آنان اثر مهمی بر تغذیه و بهداشت دارد.
- ۳- زنان در ترویج، یک اولویت بین‌المللی جدید و کارا می‌باشند که به پایداری مرتبط می‌باشند.
- ۴- در ترویج راهبردهای ویژه‌ای برای ارتقاء فعالیت کشاورزان زن مورد نیاز می‌باشد.
- ۵- تبعیض موجود در سیاست‌های دولتی مرتبط به برنامه‌های ترویجی برای زنان است.
- ۶- به منظور توسعه سرویس‌های ترویجی برای زنان تحقیقاتی خاص در محصولات غذایی سنتی مورد نیاز می‌باشد.
- ۷- زنان به سرویس‌های ترویجی دسترسی ندارند و اغلب در ترویج در حاشیه نگه داشته

شده‌اند.

۸- جهت‌گیری خارجی تک‌بعدی، کار زنان را در گسترش فعالیت‌های سنتی آنان افزایش داده است و اغلب موقعیت اقتصادی آنها ضعیف می‌باشد.

نتیجه‌گیری

توانمندسازی یک فرایند چندبعدی اجتماعی است که افراد را در کنترل بیشتر بر زندگی خودشان کمک می‌کند. این فرایندی است که مردم آن را در زندگی روزمره و جوامعشان با خلاقیت حول موضوعاتی که مهم تلقی می‌شوند به کار می‌گیرند. فرایند (PEP) که در ترویج مطرح است، سعی و تلاش ما برای تدریس مهارت‌ها و دانش مردمی است که با اقدامات به عمل آمده برای بهبود زندگی‌شان با توانمندسازی برانگیخته می‌شوند. این یک حقیقت است که بهبود موقعیت اقتصادی زنان یک اصل اساسی و پایه برای توانمندسازی آنهاست. زنان بایستی به طور گسترده خدمات مشاوره‌ای ترویجی و مساعدت سرمایه‌ای را برای تولید درآمد در بخش کشاورزی و غیرکشاورزی دریافت کنند. تلاش‌های زنان به طور معین و مؤثر جواب داده و نتیجه می‌دهد در آغاز شناخت و شناسایی زنان نه فقط به عنوان نیرو و دست‌ان تولیدکننده درآمد، بلکه به عنوان همکاران تجاری مسئول در پیوند با خانواده‌هایشان مهم است.

منابع

- ۱- غفاری، م (۱۳۸۱). «توانمندسازی زنان راهکار برابر جنسیتی». همشهری. صص (۴-۲).
- ۲- رحمان پور، ل (۱۳۸۱). «توانمندسازی مفاهیم، ساختار و راهکارها». فصلنامه مدیریت، شماره ۲۹، صص (۶۰-۵۴)
- 3- Anonymous, (2002). Empowerment of women. Available on : rural.nis.in/book98-99chapter-14.pdf/
- 4- Anonymous, (2001). Womens Empowerment through employment and health - Bangladesh. Available on: www.logs-net/ilo/150-base/en/init/ban-5htm-2001-oil.
- 5- Anonymous, (No.date a). Innovations for Empowerment Rural women. [on line] Available on: www.accu.or.ip/litbase/break/pdf/ndf915g.pdf/
- 6- Abdullaheh, H. (1997). The NGO INTERVENTION and women s Empowerment- The Bangladesh-Experience. Available on: www.qweb-kvinno forum.se/papers/hadi.htm.
- 7- Anonymous, (2004). Tanzania-Training and Economic Empowerment for rural women. Available on : www1.salvation army.org/tnz%5cwww-thz.usf/018d/ffbbc99d5f743250/180026c675./ open document -19k
- 8- Anonymous, (2001). 88th Plenary meeting practical empowering actions at community and individual level are impornat to aid sustainable developent. [On-line], Available at: www.dpi-japan.org/6_wa/abstract_et.htm - 101k
- 9- Anonymous, (2002). Supporting womens use of information technologies for sustainable development. [on-line]. Available on: www.wigsta.org/it/guide lines.htm
- 10- Anonymous, (2003). Concept of gender and gender equality. [On-line], Available at: www.genderfund.com.ua/tconcept.htm - 10k
- 11- Bhatti, M.H. (No.date). Rural Women Emopermnt: The role of Extension and micro credit in Azad state of Jammu and Kashmir. [on line], Available on: www.Ief.de/download/kw-women/bhatti.pdf
- 12- Bookman, A. and Morgan, S. (Eds). (1984). Women and the politics of empowerment Philadelphia: Temple University Press.
- 13- Csaba, H. (2004). Rural Communities and the Internet. [on line]. Available on: seminar Midan web. Com
- 14- Chawala, P. (2000). Sustainable Developent Through Empowerment of women an Experiment in Distance Education and latest Technology. [on-linc]. Available on: www. Com. Unisa.edu.au/cccc/papers/non-refereed/chawla.htm.
- 15- Corazonm,R. (1990). Gender equality, equality and the empowerment. [on-line] Available on: www.unescap.org/ pep/icpd/raymund.htm

- 16- DFIDS, (2000) Poverty elimination and the empowerment of women. [on-line]. Available on: www.dfid.gov.uk/policieand priorities/ files/ empouer-women htm 5k.
- 17- EUROPA, (2002). Gender euality in rur, al development important of women under lind. [on line], Avialable on: europa.eu.int/comm.agriculture/public/newletter/45/45-en.pdf.
- 18- FAO. (2000). Functional literacy can empowerment poor rural women. Avialble on: www.ifad.org/gender/learning/sector/extension/52.htm
- 19- FAO. (2003). Knowledge : The uplift and empowerment of rural women. [on-line]. Available on : www.fao.org/sd/2005/kno506-en.htm
- 20- Friere, P. (1970). Pedagogy of the oppressed. Translated by M.B. Ramos. New York: Seabury Press.
- 21- Horton, A. (1989). The Highlander Folk School: A history of its major programs. Brooklyn, NY: Carlson Publishers
- 22- Hillol,R. (1999). Women Empowerment: Today's Vision for Tomorrow's Mission. [on-line]. Available on: techers.net/project/earthday/topic 185/9.22.92.19.96.16htm-291.
- 23- IFAD, (2003). Ugands- Empowerment of Rural women Through Functional Adult Education. [on line], Available on: WWW.IFAD.org/gender/learning/sector/extension/52:htm-15-
- 24- IFPRI, (2000). Resource Allocation and Empowerment of women in rural Banglades. [on line], Available on: www.ifpri.org/thems/mp/7/briefs.mp 17-briefil.pdf
- 25- IPPF. (1999). Equality, Equality and the empowerment women [on line]; Available on: www.ippf.org/essource/6billion euality. htm
- 26- Kastl,R. (2002). The concept of gender. [on-line], Available on: www.kastlfamily.com/articles/gender.html - 7k
- 27- Kundu,S and Kundu, R. (2001). Women s Empowerment for Sustainable Agriculture Development [on line], Avialable on: www.Manage. gov.in/ managelib/merrroiz/B-190 PDF/
- 28- Kuteesa, N, (No, dae). Economic empowerment of women and ICT. Available on: WWW.ACACIA.ORG.ZA/acpres/florence/zokuteesa.ppt
- 29- Kaiz, F.A. (2000). Micro credit as a tool for women empowerment. [on line], Available on: www.foreignaid. com/thinktank/micro credit.htm
- 30- Lee, A, (2000). Empowering Though the Qur an. Availabe on: www.isbng.org/whats new/ empowerment - though-the-Quran.htm.htm.11k
- 31- Mayoux,L. (1998). Micro-Finance Progroemes and Women s Empowerment : Approaches, Evidence and Woys Forward Discussion Paper, the Open University, Milton Keynes.

- 32- Rhyne, E and Otero, M. (1994). Financial Services for Micro-enterprises: Principles and Institution in Otero, M. and Rhyne, E. (Eds). The New World of Microenterprise Finance” Building Healthy Financial Institutions for the Poor TT Publication, London.
- 33- Mayoux, L. From Access to empowerment: Gender Issues in Micro-Finance. [on-line]. Available on: WWW.GDVC.ORG/ICM/WIND/
- 34- Otake, M. (1999). Gender equality through the empowerment of society. . [on-line]. Available at: www.sdn.undp.org/www/women-economy/msg02699.html - 7k
- 35- Purohit, S. (ed). (2000). Micro credit and women s Empowerment. Available on: www.gdrc.org/icm/wind/rass.htm/
- 36- Percy, R.(1999). Gender analysis and participatory rural appraisal.International Journal of Educational. Development, Abstract, 6(19). Pp. 395-408
- 37- Rivera, W.M. (1990). Empowering women through Agricultural Extension: a Global impact.. Available on: www.joe.org/joe/1990_winter/a9.html1-BK
- 38- Rappert, J. (1984). Studied in empowerment: Introduction to issue, Prevention in Humen Services, 3, 1-7.
- 39- Synder, M, and et al. (1996). Gender policy in development assistance. Improving Implementation Result, Abstract, 9. (24). pp 1481-1496
- 40- WN, (2002). Empowerment grants 2002. [on line] Available on: www.methodist.org.uk/womensnet/work/2002-emp-grant.htm=Brick-making
- 41- World bank, (1992). Designing and implementing agricultural extension for women farmer Technical Notes, Washington dc, World bank, women and Development Division.
- 42- UNFPA, (1997). Womens empowerment and gender issues. [on-line]. Available on: www.unfpa.org/about/report/report97/women'shtm-10k
- 43- UNDP, (1999). Women in development ..[On-line], Available at: <http://www.sdn.undp.org/www/women-economy/msg02700.thm>
- 44- UNDP, (No, date). Empowerment of women farmers for food security. Available on: www.undp.org.in/programme/fsecurity/default.htm